

سیطرهٔ اسلام در عصر ظهور

دل آرا نعمتی پیرعلی*

چکیده

اعتقاد به اصلاح عقاید و نحوه معاش انسان در عصر ظهور منجی موعود مستند به آیات قرآن کریم و روایات فراوانی از معصومین (ع) است. بهره‌گیری از سیاق آیات اظهار که آیات مرتبط با ظهور منجی می‌باشند و توجه به دلالت‌های این سیاق‌ها و سیاق‌های مرتبط با آنها این حقیقت را تبیین می‌سازد که غلبه و سیطره کامل دین الهی، غایت ارسال رسول خاتم (ص) و به تبع آن غایت ارسال رسل الهی می‌باشد. غلبه دین الهی نیز به تحقق توحید حقیقی و بی‌شائبه و نیز حاکمیت عدالت اجتماعی و برقراری امنیت همه‌جانبه در حیات انسان می‌انجامد که بر اساس آیات قرآن کریم همه این مختصات تحقق یافته در زمان ظهور، در حقیقت تحقق یافتن آرمان‌های همه پیامبران الهی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: آیات اظهار، سیاق، قوم موعود، جامعه موعود.

مقدمه

اعتقاد به منجی موعود و انتظار ظهورش از ویژگی های اندیشه بشری است تا بدانجا که این اعتقاد و انتظار در اندیشه ناباوران به ادیان آسمانی نیز، راه یافته است. از اینرو نسبت به عمق و گستره نگاه هر گروهی، منجی موعود و نیز نجات بخشی اش مصادیق مختلف یافته است. به عنوان مثال بازگشت مسیح خدا با جنبه الهی به عنوان مصلح آخر الزمان در مسیحیت متوقع است و سوشیانت با جنبه کاملاً بشری در آئین زرتشت مورد انتظار است. نجات بخشی منجی موعود گاه کاملاً قومی بوده و منحصر در قوم و نژاد خاصی معرفی می شود، نظیر آنچه که یهودیت و صهیونیسم بدان قائل است. و گاه وظیفه نجات بخشی، جهان شمول بوده و ابعاد مختلف حیات بشری را شامل می شود نظیر منجی موعودی که شیعه به حق به آن قائل است. از اینرو مراجعه به قرآن کریم به عنوان کلام الهی که قابلیت تبیین حق را از باطل دارا می باشد در این خصوص راهگشا خواهد بود چرا که خود می فرماید: «إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ» (الطارق، ۸۶/۱۳)؛ «بی تردید که این قرآن، سخنی جدا کننده [میان حق و باطل] است». از سوی دیگر براساس آیات قرآن کریم همه پیامبران الهی مأمور به تبلیغ یک دین بوده اند: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (الشوری، ۱۳/۴۲)؛ «از دین آنچه را به نوح سفارش کرده بود، برای شما تشریح کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را به ابراهیم و موسی و عیسی به آن توصیه نمودیم [این است] که: دین را برپا دارید و در آن فرقه فرقه و گروه گروه نشوید». و نظیرش این آیه شریفه است که می فرماید: «قُلْ أَمَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (آل عمران، ۸۴/۳)؛ «[ای پیامبر! از جانب خود و پیروانت به همه] بگو: ما به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [دارای مقام نبوتشان] فرود آمده، و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده ایمان آوردیم، و میان هیچ یک از آنان فرق نمی گذاریم، و ما در برابر او [و فرمان ها و احکام او] تسلیم هستیم». از اینرو تبیین ابعاد مختلف نجات بخشی منجی موعود و ویژگی های جامعه موعود، آن هم براساس آیات مرتبط با غلبه و اظهار دین و ظهور

منجی، در حقیقت تبیین آرمان های همه انبیای الهی است .

آیات اظهار دین

آیات سه گانه (التوبة، ۹ / ۳۳) و (الفتح، ۴۸ / ۲۸) و (الصف، ۶۱ / ۹) به دلیل اشتغال بر وعده «اظهار» و غلبه یافتن دین حق، به آیات اظهار معروفند. اولین این آیات، بر حسب ترتیب مصحف، در سوره توبه قرار گرفته است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (التوبة، ۳۳/۹)؛ «او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشتند».

آخرین این آیات در سوره صف است که در واقع بی کم و کاست تکرار آیه سوره توبه است. آیه میانی، در سوره فتح است که تنها در جمله پایانی، با دو آیه پیشین تفاوت دارد. و می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا» (الفتح، ۴۸/۲۸).

معنای اظهار دین و متعلق آن

ماده «ظهر» به معنای پشت^۱ بر قوت و بروز دلالت می کند. تعبیر «ظهر الشيء» از مصدر ظهور، به معنای ظاهر شدن، انکشاف و بروز آن چیز است^۲. اصل در این ماده، مطلق ظهور در برابر پنهان است^۳. ترکیب آن با «علی» هم به معنای غلبه و چیره شدن است. نظیر آیه: «إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ» (الكهف، ۱۸/۲۰)؛ «آنها اگر بر شما دست یابند سنگسارتان می کنند». و هم به معنای معاونت و یاری رساندن است مانند آیه: «وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ» (التحریم، ۴/۶۶)؛ «اگر بر ضد او همدست شوید».

همچنین به معنای اطلاع دادن و آگاه کردن است مانند آیه: «فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا» (البقره، ۲۶/۷۲)؛ «و کسی را بر غیب خود آگاه نمی کند». و به معنای غلبه دادن و سیطره نیز به کار می رود مانند آیه: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (التوبة، ۳۳/۹)^۴.

در خصوص متعلق و مرجع ضمیر اظهار در عبارت «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ» دو قول اصلی وجود دارد این که ضمیر به دین حق و یا به رسول باز گردد^۵. برخی از مفسرین مرجع

ضمیر را رسول می دانند^۶. این قول به ابن عباس نسبت داده شده است^۷. با این فرض و با توجه به این که مصدر «ظهور» در دو معنای غلبه و آگاهی دادن نیز به کار می رود^۸، می توان گفت در این صورت منظور از عبارت «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ» آگاه کردن رسول اکرم (ص) از تمامی معالم دین است، برخی دیگر مرجع ضمیر را رسول می دانند اما «الدِّينِ» را در عبارت «عَلَى الدِّينِ» به معنای پیروان ادیان دیگر دانسته و مفهوم آیه را چنین می دانند که خداوند تمام مسائل دین را بر پیامبر (ص) تعلیم نمود تا او را بر پیروان ادیان پیشین غالب سازد^۹. گروهی دیگر از مفسرین، مرجع ضمیر در عبارت «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ» را «دِينِ الْحَقِّ» دانسته و «ال» را در «الدِّينِ» برای جنس می دانند و آن را همه ادیان معنا کرده و معتقدند که منظور از اظهار دین اسلام بر سایر ادیان، نسخ آنها و یا خذلان پیروان آن ادیان است^{۱۰}. برخی با توجه به سیاق کلمات و جملات آیه، اظهار دین را مقصود و غایت ارسال رسول دانسته و معتقدند که مرجع نزدیکتر، مرجع دورتر را منع می کند و لذا مرجع ضمیر در «لِيُظْهِرَهُ» عبارت «دِينِ الْحَقِّ» است نه «رَسُولُهُ»^{۱۱}.

توجه به سیاق آیات «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِيرَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»* هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (التوبة، ۹ / ۳۲-۳۳) روشن می سازد که نقطه ثقل کلام، تعبیر «نُورِ اللَّهِ» و «دِينِ الْحَقِّ» و نیز تقابل کافرین و مشرکین با آن و تعلق اراده الهی بر اتمام نور و اظهار دین است که این جز در غلبه و سیطره دین حق معنا نمی یابد آنچنان که علامه طباطبایی (ره) با تأکید بر سیاق آیات، مرجع ضمیر را فقط «دِينِ الْحَقِّ» به معنای دین اسلام دانسته و معتقد است که معنای غلبه رسول بر دشمنان و تعلیم همه معالم دین به آن حضرت، معنایی بسیار بعید از سیاق است^{۱۲}. به عبارت دیگر معنای مؤید به سیاق، غلبه دین اسلام بر سایر ادیان است.

مستندات سیطره اسلام در عصر ظهور

این مستندات در دو حوزه قابل ارایه است:

۱. مستندات قرآنی: این مستندات خود به دو قسمت اصلی تقسیم می شوند:

الف: دلالت سیاق های مرتبط: آیات اظهار در سیاق هایی همگون واقع شده اند؛

به عنوان مثال معنای اتمام نور با عبارات «أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ» (التوبة، ۹/۳۱) و «وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ» (الصف، ۸/۶۱)؛ در دو سیاق به کار رفته است. با توجه به ساختار کلی این سیاق ها که اجزاء آن را به هم مرتبط و پیوسته می سازد، می توان گفت که عبارت «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» توضیحی برای اتمام نور است^{۱۳}. پس دین حق، نور خداست که نه تنها خاموشی نمی پذیرد بلکه خداوند تمامیت آن را اراده کرده است لذا می توان گفت جمله مربوط به اظهار دین حق، در مقام تعلیل برای اتمام نور است و حاصلش این است که خداوند رسول خود را با نوری که همان دین حق است گسیل داشت تا آن را بر همه ادیان غلبه دهد^{۱۴}. با توجه به چند نکته می توان این مفهوم را به عصر ظهور اختصاص داد: نخست آن که: «تمام» به این معناست که یک شیء به مرتبه عالی تر صعود کرده باشد^{۱۵}. به عبارت دیگر تمام بدن هر چیز، منتهی شدن آن به حدی است که دیگر احتیاج به چیزی خارج از خود نداشته باشد و کمال هر چیزی عبارت است از حصول غرض آن چیز^{۱۶}. دوم آن که آیه: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (المائدة، ۳/۵) دو امر اکمال و اتمام دین اسلام را مطرح کرده است. دین از نظر مجموع مقررات به منزله یک کل است که قابل تمامیت است. هر دستوری، نعمتی است و با آخرین دستور، نعمت تمام می شود ولی نظر به این که بدون امام و رهبر، حقیقت دین تحقق نمی یابد، با تعیین امام است که دین کامل می شود^{۱۷}. حال اگر در آیه ۵۵ سوره نور که پیش از سوره مائده نازل شده و وعده استخلاف مؤمنین در زمین و سیطره دین اسلام را مطرح کرده است دقت شود: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ...». و با این توجه که سوره مائده جزو آخرین سوره نازل شده است و ترتیب نزول آن ۱۱۳ می باشد^{۱۸}، این مطلب استنباط می شود که نعمت ولایت که در این سوره مطرح شده زمینه ساز و شرط تحقق وعده تمکین و سیطره دین اسلام در سوره نور است و از آنجا که این سیطره در عصر هیچ یک از ائمه (ع) محقق نشده می توان وقت تحقق آن را عصر ظهور آخرین ولی خدا دانست.

ب: دلالت آیات دیگر: دلالت هایی در برخی از آیات قرآن وجود دارد که نشان می دهد دو آرمان اصلی انبیاء - توحید، عدالت - در آینده تاریخ بشر تحقق خواهد یافت^{۱۹}. از آن جمله آیه: «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (الاعراف، ۱۲۸/۷)؛

«زمین از آن خداست ، آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد به ارث می هد، و فرجام [نیکو] از آن پرهیزکاران است» .

جمله «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» بشارت است ۲۰ . و معنای آن سرانجام نیک است که با سه فرض همراه است : مختص آخرت یا مختص دنیاست و یا این که دنیا و آخرت را شامل می شود ۲۱ . با توجه به این که این بشارت به جمله «إِنَّ الْأَرْضَ ...» عطف شده است ۲۲ . و از آنجا که می توان «ال» را در «الْأَرْضِ» جنس دانست ۲۳ ، می توان بشارت سرانجام نیک بر روی زمین را بر دولت کریمه موعود در عصر ظهور حضرت قائم (ع) حمل نمود ۲۴ . به ویژه آن که در آیه بعد ، مسأله استخلاف در ارض مطرح شده است که خود دو وجه دارد یا منظور جایگزینی مؤمنین - بنی اسرائیل - بعد از فرعون در مصر است و یا معنای خلیفه الهی و نمایندگی خداوند را افاده می کند ۲۵ ، پیوستگی آیات و تقابلی که میان سخن فرعون : «إِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ» (الاعراف، ۱۲۷/۷)؛ با سنت الهی تحقق سرانجام نیک برای متقین (الاعراف، ۱۲۸/۷) ، و استخلاف و جایگزینی مؤمنین در زمین (الاعراف، ۱۲۹/۷) و در این سیاق موجود است ، این مفهوم را القاء می کند که عاقبت نیک در روی زمین و جایگزینی مؤمنین بر روی آن به معنای تسلط و سیطره متقین بر روی زمین و در حیات بشری است که خود زمینه بروز خلیفه الهی انسان را بر روی زمین مهیا ساخته و مقدمه سعادت اخروی او را فراهم می آورد . این تقارن که میان استخلاف و به ارث بردن زمین توسط مؤمنین در این سیاق از آیات وجود دارد ، در آیه ۵۵ سوره نور با ضرب آهنگی قاطع و نوید بخش درباره دین مرضی خداوند «وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (المائدة، ۳/۵) مطرح شده و غایت آن با قید مؤکد «تمکین» به معنای استقرار همراه با ثبات و استحکام و قدرت بیان شده است ۲۶ :

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (النور، ۵۵/۲۴) . با توجه به این که «تمکین» در آیات قرآن اساساً با قید «فی الارض» همراه است : «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ» (الاعراف، ۱۰/۷)؛ «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ» (الحج، ۴۱/۲۲) ، و نیز «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُونَ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ» (يوسف، ۵۶/۱۲) ، که به معنای قدرت دادن و مسلط کردن بر زمین است ۲۷ ، می توان گفت که جمع «استخلاف در ارض» و «تمکین دین مرضی خدا» در این آیه به معنای

جایگزینی مؤمنین در زمین به همراه قدرت یافتن و مسلط شدن بر آن همراه با ثبات و استحکام آنان به واسطه استقرار کامل دین اسلام در آینده است.

این معنا را دلالت های موجود در خود آیات «اظهار» نیز تأیید می کند زیرا عبارت «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» به دلیل وجود «ال» جنس و تأکید معنوی «كُلِّهِ» اطلاق داشته و از غلبه اسلام بر تمام ادیان حکایت دارد. از آنجا که این وعده هنوز محقق نشده در حالی که «اظهار»، غایت «ارسال» معرفی شده: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ... لِيُظْهِرَهُ...»، از آنجایی که این وعده هنوز محقق نشده و پیامبر اسلام نیز رسالتی زمان شمول و جهان شمول دارد: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (الأنبياء، ۱۰۷/۲۱) می توان وعده اظهار و تمکین «دین الحق» را که همان دین مرضی خداوند است، وعده ای مختص به آینده تاریخ بشر دانست که علماء بر اساس دلالات آیات، آن را عصر قیام حضرت قائم^(ع) دانسته اند که روایات فراوانی نیز این مطلب را تأیید می کند. ۲۸

۲. مستندات روایی: وعده غلبه عینی دین حق در عصر ظهور حضرت قائم^(ع) در

روایات فراوانی مطرح شده است:

به عنوان مثال امام باقر^(ع) در تفسیر «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْتُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ» (الأنبياء، ۱۰۵/۲۱) فرموده اند که: «هم أصحاب المهدي^(ع) في آخر الزمان» ۲۹. همچنین امام سجاد^(ع) در تبیین معنای استخلاف مؤمنین در ارض (النور، ۵۵/۲۴) بیان فرموده اند: «هم واللّه شيعتنا يفعل ذلك بهم على يدي رجل منا وهو مهدي هذه الأمة وهو الذي قال رسول الله (ص)... يملأ الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً؛ سوگند به خداوند که آنها شیعیان ما هستند که به دست مردی از تبار ما که مهدی^(ع) این امت است بر زمین تسلط می یابند همو پیامبر اکرم (ص) درباره اش فرمود: زمین را آنچنان که از ظلم و جور آکنده شده بود، از عدل و داد پر می کند». و امام حسین^(ع) درباره «اظهار دین» فرموده اند: «منا اثنا عشر مهدياً أولهم أمير المؤمنين علي بن أبي طالب و آخرهم التاسع من ولدي و هو الإمام القائم بالحق يحيى الله بعد موتها و يظهر به دین الحق؛ ما دوازده مهدی هستیم اولین ما امیر المؤمنین^(ع) آخرینمان نهمین فرزند من است و اوست امامی که به حق قیام می کند و زمین را بعد از مرگش زنده می سازد و با او دین حق غلبه می یابد...» ۳۰. امام صادق^(ع) نیز در تفسیر «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» فرموده اند: «لم يجيء تأويل هذه الآية بعد و لو قد

قام قائمنا لقد یری من یدرکه ما یکون من تأویل هذه الآية... حتی لا یکون شرک علی وجه الأرض كما قال الله تعالى؛ تأویل این آیه نیامده است اما وقتی قائم ما قیام کند، هر کس او را درک کند، تأویل این آیه را خواهد دید و همان گونه که خداوند فرموده است، هیچ شرکی بر روی زمین باقی نمی ماند»^{۳۱}. و نیز روایات فراوان دیگری که در معرفی و بیان اوصاف و احوال حضرت قائم (ع) و نیز تأویل آیات قرآن کریم به قیام آن حضرت، در منابع روایی شیعه و سنی موجود است و مستندات موثق در خصوص سیطره فراگیر اسلام در عصر ظهور می باشند.

ویژگی های قوم موعود

سیاق که عبارت است از ساختار کلی که آیات را به یکدیگر پیوند زده و موجب ظهور معنای مراد می شود تأثیر به سزا در فهم درست معانی قرآن، تبیین مجمل، تخصیص عام، تقیید مطلق و... آن دارد.^{۳۲}

توجه به این ساختار معنایی که پیوند و وفاق میان آیات را هویدا می سازد نقشی مهم در تفسیر قرآن به قرآن داشته و موجب شناسایی آیات مفسر یکدیگر می گردد^{۳۳}. یکی از اهداف ایجاد پیوندهای معنایی در قرآن، بیان حقایق و واقعیات است این واقع نمایی قرآن کریم، ابعاد متعددی دارد از آن جمله می توان اخبار از غیب را نام برد. آن چنان که علامه طباطبایی یکی از وجوه تحدی قرآن کریم را در ذیل آیه: «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ...» (البقرة، ۲۳/۲)؛ «و اگر در آنچه بر بنده خویش نازل کرده ایم شک دارید، سوره ای مانند آن بیاورید...». تحدی به ذکر واقعیاتی از جنس اخبار غیبی می داند^{۳۴}. قرآن کریم این اخبار غیبی را در حوزه های مختلف القاء نموده است از جمله بیان قصص انبیاء و امت های پیشین (هود، ۱۱/۴۹؛ یوسف، ۱۲؛ آل عمران، ۳) رخدادهای قریب الوقوع (الروم، ۳۰/۲-۴؛ القصص، ۲۸/۸۵) واقعیات علمی (الحجر، ۱۵/۱۹ و ۲۲؛ النبا، ۷/۷۸) و نیز وعده های محقق الوقوع در آینده تاریخ بشر نظیر آیات اظهار دین و استخلاف مؤمنین (التوبة، ۹/۳۳؛ النور، ۲۴/۵۵) نکته حائز اهمیت در این خصوص توجه به سیاق های آیات اظهار دین و استخلاف مؤمنین به منظور کشف دلالت ها یا فزونتر از مقارن این سیاق هاست زیرا آنچنان که علامه طباطبایی معتقد است وجود یک جمله مشترک میان دو

قصه یا دو معنا نشان دهنده این است که مرجع آن دو، واحد است^{۳۵}. از آنجا که سیاق های آیات اظهار و استخلاف در خبر غیبی باهم اشتراک داشته و پیوند معنایی و وثیقی نیز با هم دارند لذا می توان از مقارن آنها جزئیات و تفصیلات افزونتری راجع به وعده اظهار دین و استخلاف مؤمنین استنباط نمود یکی از این تفصیلات، ویژگی های قوم موعود است که بر اساس این مقارنه عبارتند از:

۱. بهره مندی از توحید بی شائبه: آیات ۲۹-۳۳ سوره توبه، سیاق مربوط به وعده اظهار دین را تشکیل می دهد. در این سیاق، اهل کتاب، مشرکین و مؤمنین و تقابل اعتقاد و اعمال آنان با یکدیگر مطرح شده است. در خصوص اهل کتاب اعم از یهود و نصاری، در ضمن تقیح افکار و اعمال آنان، بر روی انحرافشان از توحید تأکید شده است: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ عِزِّيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيْحُ ابْنُ اللَّهِ... يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَمْرًا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (التوبة، ۹/ ۳۱-۳۰).

توصیف آنان به شرک در انتهای این دو آیه و نیز به کار رفتن عبارت «وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» در خاتمه آیه ۳۳ که آیه وعده اظهار دین است نشان می دهد که این وعده توسط مؤمنینی محقق می شود که در اعتقاد توحیدی آنان، شرک راه نیافته است به ویژه آن که خداوند در آیه ۳۶ سوره توبه، با تأکیدی که فعل «وَأَعْلَمُوا» القا می کند، معیت و همراهی خود را با متقین اعلام نموده و وعده نصرت مؤمنین متقی در قتال با مشرکین را مطرح می سازد: «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً... وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (التوبة، ۹/ ۳۶) اگر چه ظاهر آیات این سیاق مربوط به عصر رسالت است و تقابل میان مؤمنین و مشرکین - اهل کتاب و مشرکین - را مطرح می سازد اما پیوند معنایی این آیات با یکدیگر و قرار گرفتن وعده اظهار دین در میان این آیات، درحقیقت تفصیلات مربوط به خبر غیبی وعده اظهار دین را تبیین می سازد. این معنا را سیاق آیه استخلاف مؤمنین تأیید می کند در این سیاق صحبت از منافقین است که اعتقاد قلبی درستی نسبت به خداوند ندارند: «وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ... مَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ...» (النور، ۲۴/ ۴۷) از این ضعف ایمان با تعبیر «أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» (النور، ۲۴/ ۵۰) یاد شده و آن را با تعبیر شک در دین تقویت نموده است: «أَمْ ارْتَابُوا...» (النور، ۲۴/ ۵۰). ۳۶ در مقابل این گروه، وعده استخلاف و تمکین به گروهی از مؤمنین داده شده که توحیدشان به هیچ گونه شرکی آلوده نشده است: «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (النور، ۲۴/ ۵۵)

در این جمله نکره آمدن «شَيْئًا» دلالت بر نفی شریک به طور مطلق داشته و منظور از آن خدا پرستی خالص است به طوری که هیچ شائبه ای از شرک - اعم از جلی و خفی - در آن راه ندارد. ۳۷

سیاق سوره فتح نیز این معنا را تأیید می کند و جلوه های رفتاری و باطنی موحدان حقیقی را به تصویر می کشد آنجا که می فرماید: «رُكَّعًا سُجَّدًا» (الفتح، ۴۸/ ۲۹) بازتاب عملی توحید ناب در جان پیروان حقیقی پیامبر اسلام (ص) را باز می نماید و رکوع و سجود عقل و روح و وجدان و تمام هستی آنان را در برابر عظمت خداوند بیان می کند^{۳۸}. و وقتی می فرماید: «يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا» آنان را چنین توصیف می کند که تنها به دنبال کسب پاداش و رضایت خداوند هستند^{۳۹}. ساختار معنایی کلی در قرآن کریم نیز این معنا را تأیید می کند زیرا در رأس همه تعالیم قرآن کریم حقیقت توحید قرار دارد و اجزای دیگر این هرم را آموزه های هستی شناسی، سرگذشت ها و فرجام شناسی... تشکیل می دهد که هر یک معنا و مبنای خود را از رأس هرم یعنی: حقیقت توحید اخذ می کنند. ماهیت نهضت انبیاء نیز بر اساس هرم توحید قابل شناسایی است^{۴۰}. از اینرو خداوند در سوره ابراهیم (ع)، ضمن برقراری پیوند وثیق معنایی میان نخستین آیه «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (ابراهیم، ۱/ ۱۴) و آخرین آیه این سوره: «هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّ مَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ» (ابراهیم، ۵۲/ ۱۴)، تعلیم حقیقت توحید و راه یافتن به حقیقت «أَنَّ مَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ» را غایت نزول قرآن معرفی نموده است.

لذا اظهار دین حق و تمکین آن، معنایی جز تحقق توحید ناب در عصر اظهار دین حق توسط موحدین حقیقی نخواهد داشت زیرا به قرینه وجود «مِن» تبعیض در عبارت «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ...» (النور، ۲۴/ ۵۵) تنها به کسانی وعده استخلاف داده شده که هم ایمان داشته باشند و هم اعمالشان صالح باشد از اینرو منافقین و مؤمنینی که عمل صالح ندارند از این وعده خارج می شوند^{۴۱}. آنچنان که آیه ۲۹ سوره فتح بر وجه ایمان و عمل صالح آن مؤمنان تأکید می کند: «تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا».

۲. همراهی تام با رسول اکرم (ص): معیت با رسول خدا (ص) به عنوان یک ویژگی عام که در بردارنده ویژگی ها و اوصاف فراوان دیگری است در آیه: ۲۹ سوره فتح و در سیاق آیه اظهار مطرح شده است. الزامات این معیت بنا بر سیاق کلمات و جملات همین آیه عبارت

است از کفر ستیزی «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ»، التزام بر تقویت مؤمنین «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»، التزام بر اعمال صالح منبعث از توحید ناب «تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَتَعَشَّرُونَ فَضُلًا مِنَ اللَّهِ وَرَضُونَ»، تسلیم، تذلل و خشوع در برابر خداوند «سِماهم فی وجوههم من أثر السجود» و بهره مندی از مغفرت و اجر عظیم الهی به واسطه این معیت «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» زیرا ضمیر «هم» در این عبارت به «وَالَّذِينَ مَعَهُ» باز می‌گردد و این اختصاص را القاء می‌کند.

کفر ستیزی آنان در عبارت «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ» (التوبة، ۳۶/۹) و نیز فرمان «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...» (التوبة، ۲۹/۹) در سیاق آیه اظهار در سوره توبه نیز مطرح شده است و این نشان می‌دهد که اظهار دین همراه با جنگ و قتال خواهد بود همچنین التزام بر اعمال صالح منبعث از توحید ناب، در مفهوم آیات ۲۹-۳۰ سوره توبه نیز مندرج است آنجا که مؤمنین به قتال با کافران امر می‌شوند و وصف ویژه آن کافران، تغییر در حرام های الهی ذکر می‌شود: «لَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» (التوبة، ۲۹/۹) و «فَيُحِلُّونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ» (التوبة، ۳۶-۳۷/۹) و آنجا که یهود و نصاری در اعتقاد به خدا، به کافران تشبیه می‌شوند: «يُضَاهِيُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ» (التوبة، ۳۰/۹) این مفهوم قابل استنباط است که مؤمنین امر شده به قتال با کافران و مشرکین، در اعتقاد و عمل نقطه مقابل آنان هستند به ویژه آن که در آیه ۳۶ سوره توبه از این مؤمنین با واژه «مُتَّقِينَ» یاد شده است: «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» و در آیه ۵۵ سوره نور، با عبارت «عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» توصیف شده اند. لذا می‌توان گفت که سیاق های آیه اظهار در سه سوره، دو ویژگی مهم مؤمنین موعود را بهره مندی از حقیقت توحید و التزام بر اعمال صالح، معرفی می‌کنند، این معنا را سیاق جملات در آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» (النور، ۵۵/۲۴) تأیید می‌کند زیرا ایمان و عمل صالح دو شرط تحقق استخلاف معرفی شده اند آنچنان که آیات دیگر نیز ارث بردن زمین را مختص «عباد» با تقوا و صالح معرفی می‌کنند: «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (الاعراف، ۱۲۸/۷) و «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (الانبیاء، ۱۰۵/۲۱) که بر اساس روایات، ائمه معصومین (ع) مصداق اتم همراهی با پیامبر اکرم (ص) در اعتقاد و عمل هستند^{۴۲}. و لذا خلفای خداوند در زمین هستند^{۴۳}. و بنابر کلام امام صادق (ع)، این وعده به طور خاص

درباره حضرت قائم (ع) و یارانشان القاء شده است ۴۴. زیرا طبق سیاق آیات ۳۲-۲۹ سوره توبه، اهتمام مشرکین و کفار بر اطفاء نور الهی و نابودی دین حق است: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ...» و اهتمام مؤمنین موعود، بر تمکین و سیطره دین مورد رضایت خداوند است: «وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ...» (النور، ۲۴/۵۵) که در نتیجه این تسلط و سیطره، خوف از شرک و طاغوت به ایمنی بدل شده و عبادت خالصان موحدانه در زمین تحقق می یابد: «وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (النور، ۲۴/۵۵).

ویژگی های جامعه موعود

سیاق آیه اظهار در سوره توبه به دو قست قابل تقسیم است:

الف: سیاق پیشین که شامل آیات ۳۲-۳۰ می باشد: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ عَزِيزٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهَهُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا... وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ* يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يَتِمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ». این دسته از آیات بر تشریح حال یهود و نصاری و شرک راه یافته در عقائد توحیدی آنان متمرکز شده و دلیل مقابل آنان با نور الهی و دین حق را انحراف آنان از توحید حقیقی دانسته و نتیجه مقابل آنان با دین حق را، اتمام نور الهی از جانب خداوند عنوان می کند. پس یکی از آثار اظهار دین، تحقق یگانه پرستی حقیقی در جامعه موعود به واسطه سرپرستی مؤمنین حقیقی بر جامعه بشری است. و تحقق توحید ناب همان آرمان اصلی مشترک در میان همه پیامبران الهی است: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ» (النحل، ۱۶/۳۶)؛ «و همانا در هر امتی پیامبری فرستادیم که [اعلام کند که] خدا را پرستید». و نیز می فرماید: «فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ» (المؤمنون، ۲۳/۳۲)؛ «و پیامبری از خودشان در میان آنان فرستادیم که: خدا را پرستید، شما را جز او معبودی نیست».

ب: سیاق بعدی که شامل آیات ۳۷-۳۴ است «إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ... إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ... ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ... فَيُحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ...» آثار انحراف از توحید و تجلی شرک و کفر در اعمال أهل کتاب و نیز

مشرکین را بازگو می کند. آنچه در این سیاق مورد تأکید قرار گرفته است، حرام خواری «لِيَأْكُلُوا مِمَّا كَانُوا يَكْفُرُونَ» و ایجاد مانع بر سر تحقق حکومت عدل دینی «وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» و دنیا طلبی و زراندوزی «يَكْنُزُونَ الدَّهَبَ وَالْفِضَّةَ» و در پی آن عدم اهتمام بر مصالح دینی و ضروریات اجتماعی «وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (التوبة، ۳۴/۹) و گرفتار آمدن به عذاب الهی در آخرت به واسطه خود خواهی و دنیا طلبی است «هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ» (التوبة، ۳۵/۹) که یکی از جلوه های خودخواهی و دنیا طلبی آنان ایجاد تغییر در محرمات الهی و دستبرد در احکام خداوند است «فِيحُلُوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ...» (التوبة، ۳۷/۹).

آنچه در این سیاق از سوره توبه به بیش از هر چیزی مورد توجه قرار گرفته است حقوق مالی مردم است تعبیر زر اندوزی، که به دنیا پرستی و انحصار طلبی دنیا پرستان در بهره مندی از مواهب مادی اشاره می کند، یکی از مهمترین عوامل فساد جامعه به شمار می آید زیرا زر اندوزی به معنای عدم به کارگیری سرمایه های مادی در راه اصلاح و توسعه جامعه است. از آن جا که اقتصاد جامعه موجب قوام و پویایی اجتماع است قرآن کریم یکی از مهمترین دستاوردهای اظهار دین را، رفع انحصار طلبی مادی و دفع انواع حرام خواری دانسته است، زیرا قرار گرفتن این سیاق بعد از آیه اظهار دین، می تواند بدین معنی باشد که یکی از جلوه های سیطره دین حق، رفع موانع از «سَبِيلِ اللَّهِ» است. انفاق «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» به معنای به کار گرفتن سرمایه های الهی در خدمت جامع بشری و تحقق عدالت دینی در اجتماع می باشد که خود موجب دفع انواع رذائل و تثبیت انواع فضائل می گردد. بر این اساس عبارت «ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» که در ارتباط با تشریح ماه های حرام بیان شده است، در این سیاق، توصیفی از دین حق است که مشتمل بر احکام و تعالیمی است که رعایت آنها، مصالح بشر را تأمین و تضمین می کند از اینرو می توان گفت که اظهار دین به معنای پیاده شدن همه احکام و تعالیم دین اسلام است که خود موجب تأمین مصالح فردی و اجتماعی در جامعه می گردد. این معنا ارتباطی وثیق با مکتب یافتن وارثان زمین دارد آنجا که قرآن کریم می فرماید: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ* وَنُتَمِّكِنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ» (القصص، ۲۸/۵-۶)؛ «و می خواستیم بر کسانی که در زمین به زبونی کشیده شده اند منت نهیم و آنها را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان

را وارثان [زمین] کنیم و در زمین قدرتشان دهیم».

این مکتب یافتن که فرع بر عمل صالح است «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ» (النور، ۲۴/ ۵۵) به معنای استقرار عینی دین در جامعه است بدین معنا که دین مورد عمل قرار گیرد و هیچ کفری مانع آن نشده و اصول و معارفش مورد اتفاق همه باشد و امر دین سبک شمرده نشده و درباره آن اختلاف و تخصمی رخ ندهد^{۴۵}. پس نتیجه قهری استقرار عینی دین، تحقق توحید حقیقی و عدالت اجتماعی و تأمین همه مصالح انسان و نیل به امنیت در سایه تحقق عدالت دینی در جامعه است و «وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (النور، ۲۴/ ۵۵) و تحقق عدالت که موجب شکوفایی استعدادهای جمعی بشر است خود وجهه همت پیامبران الهی بوده و آرمان شریف همه آنها معرفی شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (الحديد، ۵۷/ ۲۵)؛ «همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو [ی تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت بر خیزند».

در پایان می توان افزود که ذکر اهل کتاب، عملکرد انحصار طلبانه آنان در بهره مندی از مواهب مادی، تلاش و اهتمام آنان بر اطفاء نورالهی در سیاق های آیات سه گانه اظهار دین، شاید اشاره ای بر وضع جهان در آستان اظهار دین حق باشد آنچنان که در آیه: ۲۹ سوره فتح، از آینده مؤمنین به دین اسلام، خبر داده شده که عبارتست از تزاید تدریجی و روز افزون در عده و عده، تا بدانجا که موجبات خشم کفار را فراهم می آورند: «وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ» (الفتح، ۲۹/ ۴۸)؛ «و وصف آنها در انجیل چون کشته ای است که جوانه بزند و آن محکم شود تا به تدریج قوت گیرد و بر ساقه های خود بایستد که کشاورزان را به شگفت آورد [مؤمنین نیز این گونه به تدریج قوت و فزونی می گیرند] تا [انبوهی] آنان کافران را به خشم آورد».

نتیجه گیری

آیه اظهار دین درسه موضع و با تفاوت اندک در عبارت پایانی یکی از آنها، در قرآن

کریم مطرح شده است، تبیین مفاهیم دلالتی الفاظ در این آیات اولین گام در جهت راهیابی به معنای اظهار است. توجه به محتوای آیات اظهار و سیاق های آنها نشان می دهد که وعده اظهار دین در این سوره، به معنای استقرار کامل و عینیت دین در حیات واقعی بشر در عصر ظهور حضرت قائم (ع) و آخرین دولت اسلامی است. این مطلب به مستندات دیگری از آیات قرآن کریم معتضد است. از جمله دلالت سیاق های مرتبط و طرح «اتمام نور» در دو سیاق سوره «توبه» و «صف» به همراه وعده استخلاف مؤمنین در زمین و سیطره دین اسلام در آیه ۵۵ سوره نور و بشارت بر تمکین دین اسلام به همراه وعده به ارث بردن «الأرض» از جانب متقین در آیات متعددی از قرآن کریم.

بر اساس سیاق های آیات اظهار، مؤمنین متقی که تحت سرپرستی حضرت قائم (ع) امر مهم تسلط و سیطره دین به واسطه آنان و با قتل آنان محقق می شود، موحدانی هستند که در توحیدشان هیچ شائبه ای از شرک راه نیافته است. این یکتا پرستی خالص، آنان را در کفر ستیزی، عبودیت و تذلل و خشوع در برابر خداوند، همراه پیامبر اکرم (ص) ساخته است. آنان سر پرستان جامعه توحیدی هستند که مهمترین اهتمامشان دین ورزی و تحقق حقیقت توحید در اجتماع بشری است. مهمترین روش آنها در اصلاح امور بشر و اقامه دین و برقراری عدالت دینی در اجتماع از طریق اصلاح اقتصاد و رفع و دفع انحصار طلبی ها و به کار گرفتن سرمایه های الهی در خدمت جامعه بشری است. آنان از این راه موجبات تحقق عدالت، دفع رذائل و تثبیت فضائل را فراهم ساخته و اصول و معارف حقه دین را به صورت عینی مستقر ساخته و امنیت کامل را برای بشر به ارمغان می آورند که همه اینها در حقیقت تجسم یافتن آرمان انبیاء در عصر ظهور است.

پرتال جامع علوم انسانی

۱. المفردات فی غریب القرآن/ ۳۱۷.
۲. معجم مقاییس اللغة، ۳/ ۴۷۱.
۳. التحقیق فی کلمات القرآن، ۷/ ۱۸۳.
۴. المفردات فی غریب القرآن/ ۳۱۸.
۵. البحر المدید، ۲/ ۳۷۵.
۶. کتاب التسهیل لعوالم التنزیل، ۱/ ۳۳۶؛ روح المعانی، ۵/ ۲۷۸.
۷. زاد المسیر فی علم التفسیر، ۲/ ۲۵۴.
۸. لسان العرب، ۴/ ۲۳۴.
۹. تفسیر الکشاف، ۲/ ۲۶۵.
۱۰. أنوار التنزیل، ۳/ ۷۹؛ مجمع البیان، ۱۱/ ۷۵.

۱۱. التحقیق فی کلمات القرآن، ۱۸۴/۷ .
۱۲. ترجمه المیزان، ۳۲۹/۹ .
۱۳. بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت شناسی ۳۰. بحار الأنوار، ۱۳۳/۵۱ .
۱۴. امام مهدی (ع) . ۷۱/۷۱ .
۱۵. مجموعه یادداشت ها «شهید مطهری»، ۴۰۰/۱۰ .
۱۶. ترجمه المیزان، ۲۸۸/۵ .
۱۷. التفسیر المظهری، ۴۰۰/۱۰ .
۱۸. مجمع البیان، ۶۱۳/۱۰ .
۱۹. مجموعه یادداشت ها «شهید مطهری»، ۳۶۷/۹ .
۲۰. تفسیر الکشاف، ۱۴۳/۲ .
۲۱. مفاتیح الغیب، ۳۴۲/۱۴ .
۲۲. تفسیر الصافی، ۴۶/۹ .
۲۳. تفسیر الکشاف، ۱۴۳/۲ .
۲۴. الفرقان فی تفسیر القرآن، ۲۵۷/۱۱ .
۲۵. زاد المسیر فی علم التفسیر، ۱۴۷/۲ .
۲۶. التحقیق فی کلمات القرآن، ۱۵۲/۱۱ .
۲۷. ترجمه المیزان، ۲۲/۸؛ بررسی تطبیقی تفسیر آیات ۴۵. ترجمه المیزان، ۲۱۱/۱۵ .
۲۸. متشابه القرآن و مختلفه «ابن شهر آشوب»، ۶۹/۲ .
۲۹. إثبات الهدی، ۱۴۶/۵ .
۳۰. بحار الأنوار، ۱۳۳/۵۱ .
۳۱. إثبات الهدی، ۱۴۵/۵ .
۳۲. سیاق و تفسیر قرآن «فاکر میبدی»، ۱۳۵/۱۳۵ .
۳۳. درنگی در ساختار تعالیم قرآن «نجار زادگان»، ۷/۷ .
۳۴. ترجمه المیزان، ۱۰۱/۱ .
۳۵. همان، ۲۶۰/۲۶۰ .
۳۶. همان، ۲۰۳/۱۵ .
۳۷. همان، ۲۱۳/۲۱۳ .
۳۸. تفسیر من وحی القرآن، ۱۲۹/۲۱ .
۳۹. تفسیر القرآن الکریم «شیر»، ۴۸۱/۱ .
۴۰. درنگی در ساختار تعالیم قرآن / ۱۵-۷ .
۴۱. ترجمه المیزان، ۲۰۹/۱۵ .
۴۲. نور الثقلین، ۶۱۷/۳ .
۴۳. البرهان فی تفسیر القرآن، ۸۹/۴ .
۴۴. همان، ۹۰/۹۰ .
۴۵. ترجمه المیزان، ۲۱۱/۱۵ .
- مهدویت / ۹۰ .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی